

## شرحی بر نمایشنامه‌ی سی‌مرغ و سیمرغ 2

دکتر علینقی منزوی

[ایغما، سال 30، ش 9، فروردین 2536، ذیحجه 1397، صص 527-531]

### 14- داستان مرغان پیش از عطار:

تمثیل و تشبیه یکی از پایه‌های ادبیات ایران در عهد ساسانی بوده است. بیان مطلب و توضیح نظریه‌های ادبی، اخلاقی، مذهبی، و سیاسی و پخش آنها در میان مردم از زبان حیوانات پرنده و چرنده، به طور گسترده‌ای به کار رفته است. برخی از پیشوایان مذهبی چون مانی و مزدک، گذشته از بیان تمثیلی و انشای تشبیهی به نثر و نظم، که از راه گوش به مردم می‌رسانیدند، استفاده از راه چشم را نیز فراموش نکرده با بکار بردن نقاشی چینی از راه تصویر نیز خواست‌های خود را به مردم می‌رسانیدند. می‌توان ارژنگ مانی را نمونه‌ی پیشرفت هنر نقاشی و کلیله و دمنه را نمونه‌ی تشبیه سازی بیانی آن دوران به شمار آورد.

یورش عرب و رواج مذهب سنی ضربتی بزرگ بر هنر نقاشی فرود آورد به طوری که از سراسر شش قرن حکومت عرب حتی یک برگ نقاشی نیز در ایران باقی نمانده است. لیکن هنر تشبیه سازی در بیان نه تنها متوقف نگشت بلکه به سبب محروم بودن دانشمندان خردگرا و گنوسیست ایرانی از آزادی بیان، ایشان بیشتر خواسته‌ها و عقاید خویش را چنان که گذشت از ترس محتسبان و فقیهان دربار خلیفه از زبان حیوانات و مخصوصاً مرغان که بیش از دیگر حیوانات عاطفه‌ی رقیق انسانی را جلب می‌کنند بیان می‌نمودند و از این روی این بخش را با محتوای فلسفی آن می‌توان جزو ادبیات عامیانه نیز دسته بندی نمود. این دانشمندان با استفاده از اساطیر رایج در سده‌های 3 تا 7 میلادی «زبان مرغان» را اصطلاحی برای بیان سنبلیک خواسته‌های فلسفی خردگرایانه که ایده‌ئولوژی عمومی مردم ایران و مورد پی‌گردد حکومت خلفای سنی در بغداد می‌بود، قرار داده بودند.

گفتگو از پرواز روان انسان در سخنان پارمنیدس یونانی (540-450 پ. م) در معراج نامه‌ی وی آمده که سوار بر اسبان و به راهنمایی دختران خورشید از خانه‌ی شب به جهان روشنایی رفت (شرف خراسانی، نخستین فیلسوفان یونان، چ تهران 1350 / 1971 صص 276-284). افلاطون نیز در گفتگوی «فایدروس» روان آدمی را به ارابه‌ران و اسب بالدار مانند کرده است (دکتر لطفی، مجموعه‌ی آثار افلاطون، تهران 1350 / 1971؛ ج2: 190) لیکن با این همه تشبیه روان آدمی به مرغ و تن آدمی به قفس گویا از ویژگی‌های ادبیات هند و ایرانی ساسانی باشد که پس از آمدن عرب‌ها بدان زبان ترجمه شده سپس به وسیله‌ی ایرانیان مسلمان تکمیل شده و گسترش یافته است و اینک چند نمونه از آن را در زیر می‌آورم:

### 15- باب البوم و الغراب کلیله و دمنه:

این کتاب که ابن مقفع شهید 148 / 759 از پهلوی به عربی گردانید، در باره‌ی کنفرانس مرغان و انتخاب یک پادشاه برای خودشان می‌باشد. در صورتی که کنفرانس مرغان در نزد عطار برای انتخاب یک راهنما (هدهد) است برای رفتن به سوی پادشاه مرغان (سیمرغ).

### 16- ابن ندیم:

در فن یکم از مقالات سوم فهرست خود در احوال ابو منذر هشام کلبی م 820/205 کتابی به نام « منطق الطیر » بدو نسبت داده است. به ابن سکیت نحوی نیز « کتاب الطیر » نسبت داده شده است (ذریعه 15: 195).

### 17- اخوان الصفا:

در رساله‌ی 22 از رسایل خود (چ بیروت 1957م، ج 2، ص 293) عنقاء مغرب را پادشاه مرغان و جای او را در کوه- های بلند جزیره‌ی بحر أخضر دانسته‌اند. و در رساله‌ی 31 داستان به دام افتادن عققق را که بر اثر طمع به دنبال کبوتران رفته بود، آورده‌اند. (همان چاپ ج 3، ص 169) ولی در هیچ یک از آن دو جا سیر تکاملی روان آدمی مورد بحث نیست.

### 18- ابن سینا:

427ق/ 1035م رساله‌ای به نام « الطیر » یا « الشبکه و الطیر » هنگامی که در دژ « فردجان » زندانی بود به سال 1021/412 به عربی نگاشته است که به وسیله‌ی مه‌رن در لیدن 1891م سپس بوسیله‌ی لویس شیخو در بیروت 1908 و 1911 چاپ شده است. این رساله‌ی ابن سینا سه شرح و یک نظم دارد (فهرست مصنفات ابن سینا، مهدوی صص 177-178 و ذریعه).

1- از علی بن شاهک،

2- از شریف بن ناصر هاشمی بغدادی،

3- از علی بن سلیمان بحرینی در سده‌ی هفتم و چهاردهم به نام « مفتاح الخیر فی شرح رساله الطیر » (ذریعه 7: 130، 13: 24، 15: 195، 21: 329، 24: 222) "طیر" ابن سینا چند ترجمه به فارسی نیز دارد:

### 19- الف - ترجمه‌ی سهروردی:

کشته‌ی 587 ق/ 1191م، این ترجمه همراه شرح بر ترجمه‌ی منسوب به عمر سهلان ساوجی و دو رساله‌ی دیگر در مجموعه‌ای با مقدمه‌ای به انگلیسی از : Otto Splas and S. K. Khalak در اشتوتگارت آلمان 1935م صص 39-46 چاپ شده و سپس در مجموعه‌ی « دانشنامه ش 2 » در تهران 1316ق/ 1937م تجدید چاپ شد. سپس با تصحیح دکتر نصر و مسیو کربین به سال 1970 مقدمه‌ی این مجموعه آثار فارسی سهروردی چاپ شده است. دکتر نصر در ص 47 مقدمه‌ی این مجموعه، این ترجمه را با ترجمه‌ی اخسیکتی که بعداً یاد خواهیم کرد، یکی شمرده است.

### 20- ب - ترجمه‌ی اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو:

(سده‌ی 12/6) که نسخه‌ی آن که در 1492/898 نوشته شده، در مجلس هست و در فهرست حایری 5: 412 معرفی شده و به وسیله‌ی محمد باقر سیزواری در (مجموعه‌ی 14 رساله، انتشارات دانشگاه تهران 1350/ 1961 صص 152-162) بی‌معرفی نسخه‌ای که از آن برداشت شده چاپ شده است. این ترجمه غیر از ترجمه‌ی سهروردی چ اشتوتگارت که در بالا یاد شده می‌باشد. ترجمه‌ی اخسیکتی غیر از دوگانگی ترجمه در چند جا بر ترجمه‌ی سهروردی افزایش‌هایی نیز دارد.

20/1- ج - ترجمه‌ی ملا وجیه‌الدین که به گفته‌ی دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره‌ی 3688 در اسعد افندی هست.

### 21- شرح بر ترجمه‌ی فارسی:

دو شرح بر ترجمه‌های فارسی رساله‌ی "طیر" ابن سینا نیز چاپ شده است. الف) شرح منسوب به عمر سهلان ساوجی که در مجموعه‌ی یاد شده‌ی اشتوتگارت صص 47-89 چاپ شده است. ب) شرحی بی‌نام که محمد باقر سبزواری یاد شده در همان مجموعه‌ی 14 رساله صص 175-211 چاپ کرده است. این دو شرح اختلاف بسیار دارند. غیر از دوگانگی ترجمه، در تقسیم عبارت‌های متن در میان عبارت‌های شرح، با یکدیگر ناچورند.

### 22- زمینه‌ی داستان‌های ابن سینا:

روان آدمی در این داستان به مرغانی تشبیه شده که در آغاز آزاد بوده پس از افتادن بدام شکارچیان، آزادی نخستین خویش را فراموش کرده‌اند پس با دیدن مرغانی آزاد دوباره به یاد آزادی می‌افتند و با کمک آنان آزاد می‌شوند و به شهر پادشاه مرغان که در پشت کوه (افلاک هشتگانه) است، می‌روند. پس در داستان ابن سینا، اضافه بر سیر صعودی بسوی خدا، که در معراج‌نامه‌های خلسه‌های یونانی و اسلامی نیز دیده می‌شود، از سیر نزولی نخستین و اسیر شدن مرغان در قفس و نیز از مراحل گذر در بیابان‌ها در سیر صعودی با تفصیل یاد شده است که در آن معراج‌نامه‌ها و خلسه‌ها دیده نمی‌شود. لیکن دوگانگی و جدایی خدا و جهان (ملک و مرغان) در داستان ابن سینا بیش از داستان عطار، چشم‌گیر است.

این سنجش نشان می‌دهد که با همه‌ی فشار سنگین خلفای سنی بازهم نفوذ پان‌ته‌یسیسم هندی در ایران در دو سده-ی میان ابن سینا و عطار رو به افزایش بوده و عطار را اشراقی‌تر و پان‌ته‌یسیست‌تر از ابن سینا کرده است. نتیجه‌ی داستان ابن سینا «اتصال» است. مرغان اسیر می‌شوند، در حال اسیری برای رسیدن به شاه کوشش می‌کنند و پس از رسیدن بدو، شاه ایشان را به جای دیگر حواله می‌دهد. در صورتی که عطار یک گام پیش رفته، اتحاد را نتیجه می‌گیرد: مرغان آزاد برای رسیدن بدان شهر در می‌یابند که شاه مرغان یک راهبر (دهد) را انتخاب می‌کنند و تازه پس از رسیدن بدان شهر در می‌یابند که شاه مرغان جز خود ایشان کسی نیست. شماره‌ی منزل‌ها که همان مدارج تعلیمات اشراقی است، نزد ابن سینا هشت کوه و نزد عطار هفت وادی و در «عقل سرخ» یازده کوه است که شماره‌ی خدایان زیر دست زئوس یونانی را به یاد می‌آورد.

23- لسان الطیر: یک رساله‌ی فارسی نیز بدین نام، پدرم در ذریعه 18: 306 به ابن سینا نسبت داده که نسخه‌اش را در کتابخانه‌ی تقوی دیده است. لیکن آغاز رساله را که آورده همان آغاز «عقل سرخ» است که در بخش سهروردی یاد خواهم کرد. همین رساله در فهرست رضوی 4: 132 نیز با عنوان رساله الطیر از مولفی ناشناس معرفی شده است و محمد باقر سبزواری نیز ناشناخته آن را یازدهمین رساله‌ی مجموعه‌ی 14 رساله‌ی خود نهاده در صص 212-219 چاپ کرده است.

### 24- حی بن یقظان، سلامان و ابدال:

دو داستان سنبلیک از ابن سینا هستند در باره‌ی مدارج ترقی روان آدمی، لیکن چون تکامل روان در آنها به سفر تشبیه شده و از مرغ و قفس گفتگویی ندارد، از موضوع بحث ما بیرون هستند.

## 25- برادران غزالی:

محمد (م 505/1111) و احمد (م 520/1126) هر کدام یک رساله در داستان مرغان دارند. نخستین ایشان داستان را به زبان عربی و دومین به زبان فارسی نگاشته و شاید یکی ترجمه‌ی دیگری باشد. متن پیرامون 200 کلمه است که 24 بیت شعر در آن است، متن عربی 110 کلمه دارد که 12 بیت آن شعر است. متن فارسی گنوسیست‌تر، ضدقشری‌تر، و شیواتر از عربی آن است. نسخه‌ی عربی در مصر 1319 و 1328 و 1343 و 1353 ششمین از هفت رساله‌ی مجموعه‌ی «الجواهر الغوالی» و در بیروت همراه «طیر» ابن سینا در 1911 چاپ شده است، نسخه‌ی فارسی نیز به وسیله‌ی نصرالله پور جوادی همراه نسخه‌ی عربی با یک مقدمه‌ی فارسی و یکی انگلیسی در 50 ص در تهران 1396/1976 چاپ شده است.

در این داستان مانند معراج‌نامه‌های یونانی و اسلامی، سخن تنها از مسیر قوس صعود آغاز شده و هیچ‌گونه کاری با سیر نزولی پیش از آن و گرفتار شدن روان در قفس تن که ابن سینا در داستان خود افزوده است دیده نمی‌شود. پس کار غزالی از این روی مانند کار عطار است، با این تفاوت که مرغان غزالی پس از رسیدن به کعبه‌ی مقصود با پادشاه مرغان هم چون خدای کتب مقدس سامی روبه رو می‌شوند، خدا مانند یک پادشاه دنیایی، که البته صفات جمال و جلال کلام اسلامی به او آب و رنگ متافیزیک ایرانی داده است، جلوه می‌کند. اگر چه مرغان غزالی خدا را نمی‌بینند لیکن مانع از دیدن او همانا دیوار قلعه یا دوری و مانند این‌ها است، نه عدم قابلیت رؤیت. در داستان غزالی دوگانگی خالق و مخلوق به درستی روشن است. در صورتی که در «منطق طیر» عطار هنگامی که چاوش در درگاه عزت می‌آید و پرده‌های جلو آینه را یکی پس از دیگری بالا می‌زند، جلو چشم سی تا مرغ از راه رسیده «سیمرغ = سی‌مرغ» در آینه دیده می‌شود:

هم زعکس روی سی مرغ جهان      چهره‌ی «سیمرغ» دیدند آن زمان

و به عبارت دیگر: چهره‌ی خویش را در آینه دیدند و دوییت از میان رفت:

در تحیر جمله سرگردان شدند      می‌ندانستند: این یا آن شدند

موضوع گفتار دوم «منطق الطیر» عطار: کنفرانس مرغان درباره‌ی نیازمندی به پادشاه، نخست در باب بوم و غراب کللیه و دمنه و پس از آن در «رسایل اخوان الصفا» و سپس در «رساله الطیر» غزالی آمده است. پادشاه مرغان در کللیه «بوم» است که مرغان او را بر می‌گزینند ولی غراب این انتخاب را باطل می‌سازد. ولی در رساله‌ی غزالی پادشاه مرغان «عنقا» می‌باشد و در جزیره‌ای در مغرب زندگی می‌کند، عطار آن را سیمرغ نامیده، گوید: مرغان گمان می‌کردند که در پشت کوه قاف است، ولی چون بدان جا شدند دانستند که/ او جز مجموع/ ایشان چیزی نبوده است.

موضوع عذرتراشی مرغان از رفتن بدان سفر که در گفتارهای 3 تا 37 عطار دیده می‌شود، در غزالی به عکس دیده می‌شود: مرغان غزالی به سفر مایل هستند و از طرف عنقا به ایشان اخطار می‌شود که نیایید، خطرناک است! اما ایشان قانع نشده به سفر ادامه می‌دهند. پس سفر و کوشش برای کشف حقیقت در نظر غزالی نوعی گناه و تمرد است و نزد عطار کار مفیدی است که نیاز به گذشت و فداکاری دارد و از تنبلان ساخته نیست.

موضوع گفتارهای 38 تا 44 هفت وادی عطار در رساله‌ی غزالی نیز هفت تا به شمار آمده است که میان این دوشباهت وجود دارد، و چه بسا هر دوی ایشان عدد هفت را از هفت خان‌های رستم و اسفندیار در شاهنامه گرفته باشند.

خلاصه آن که، *خدای عطار* رنگ آریایی بیشتر دارد. او روح جهان و عین جهان است. اما *خدای غزالی*، گرچه صفات جمال و جلال معتزله بدو رنگ آریایی می‌دهد، باز هم سامی است و غیر از جهان می‌باشد، او وحدت عددی است و قابل رؤیت است و روز قیامت دیده خواهد شد.

## **26- عین القضاة همدانی:**

کشته‌ی 1131/525 نیز در نامه‌اش روان آدمی را به مرغ اسیر شده در قفس تن مانند کرده که می‌کوشد از آن آزاد شود و به جهان متافیزیک باز گردد (نامه‌های *عین القضاة* تصحیح نگارنده و عسیران بیروت 1968 ج 1، 200).